



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عرض کردیم کسانی که مخالف صحّت معاطات هستند به روایاتی که در آنها گفته شده: « إِنَّمَا يَحْلُلُ الْكَلَامُ وَيَحْرُمُ الْكَلَامُ » استدلال کرده اند و گفته اند که از این روایات استفاده می شود که فقط کلام موجب تحلیل و تحریم است و تا کلامی نباشد بیعی و نقل و انتقالی و تحلیل و تحریمی صورت نمی پذیرد .

شیخ اعظم انصاری(ره) چهار احتمال در معنای جمله: « إِنَّمَا يَحْلُلُ الْكَلَامُ وَيَحْرُمُ الْكَلَامُ » دادند که دیروز به عرض محترم رسید .

احتمال اول این بود که جمله: « إِنَّمَا يَحْلُلُ الْكَلَامُ وَيَحْرُمُ الْكَلَامُ » مفید حصر است و یک قاعده کلی می باشد یعنی در اسلام تحلیل و تحریم فقط در نتیجه کلام و منحصر در آن می باشد و تا لفظی در کار نباشد تحلیل و تحریمی وجود نخواهد داشت ، بعد خود شیخ این احتمال را رد کردند و بنده نیز عرض می کنم که این احتمال درست نیست چون موجب تخصیص أكثر می شود زیرا در خیلی از موارد تحلیل و تحریم وجود دارد ولی لفظی در بین نمی باشد مثل مواردی که دیروز بیان کردیم ؛ غلیبان عصیر عنبی و انقلاب الخمر إلى الخل که موجب حلّیت می شود و مثل وطی حیوان مأكول اللحم و جلل که موجب حرمت اکل گوشت آنها می شود و مثل تزکیه حیوان مأكول اللحم که موجب حلّیت گوشتش می شود و مثل دخول در عنف بالقیاس إلى تزویج البنات و ایقاب الغلام بالقیاس إلى تزویج بنته و اُخته که موجب حرمت ابدی برای ازدواج می شود و امثال ذلک پس همیشه در اسلام تحلیل و تحریم در سایه لفظ نمی باشد .

حضرت امام(ره) فرموده اند که حتی کلام اهل بیت(ع) نیز منحصر در تحلیل و تحریم نمی باشد زیرا در مواردی تقریر و فعل معصوم(ع) نیز برای ما حجّت است و حجّت فقط منحصر در کلام او نمی باشد بنابراین در هیچکدام از کلمات افراد عادی و قرآن و

سنت تحلیل و تحریم انحصار به لفظ ندارد لذا احتمال اولی که شیخ در معنای جمله: « إِنَّمَا يَحْلُلُ الْكَلَامُ وَيَحْرُمُ الْكَلَامُ » داده صحیح نمی باشد .

احتمال دوم شیخ این بود که در جایی که مقصود واحد است عبارت واحد هم باعث تحلیل و هم باعث تحریم می شود مثلاً زنی که می خواهد خودش را به ازدواج موقت مردی در بیاورد اگر بگوید: متعتک نفسی حلال می شود ولی اگر بگوید: آجرتک نفسی و سلطتک علی بضعی حرام می شود .

اشکال ما به این احتمال دوم شیخ این است که: بله کلام در متعتک نفسی صحیح و مؤثر است و موجب حلّیت می شود ولی عبارتهای دیگر تأثیری ندارند و موجب تحریم نمی شوند زیرا تحریم قبل از این کلام نیز وجود داشته پس ما نمی توانیم حرمت را به این کلام نسبت بدهیم لذا احتمال دوم نیز مردود است .

احتمال سوم شیخ این بود که جمله: « إِنَّمَا يَحْلُلُ الْكَلَامُ وَيَحْرُمُ الْكَلَامُ » یعنی اینکه کلام وجوداً یحلّل و عدماً یحرّم و یا بالعکس یعنی کلام وجوداً یحرّم و عدماً یحلّل .

اشکال این احتمال هم این است که عدم مطلقاً اثری ندارد و هیچوقت به چیزی نسبت داده نمی شود پس اینکه بگوئیم عدم یحلّل أو یحرّم لا معنی له ، اتفاقاً خود شیخ همین احتمال سوم که به نظر بنده آرداً الإحتمالات می باشد را اختیار کرده است .

احتمال چهارم این است که جمله: « إِنَّمَا يَحْلُلُ الْكَلَامُ وَيَحْرُمُ الْكَلَامُ » فقط در مورد سؤال آن شخص سائل از حضرت می باشد و یحلّل الْكَلَامُ یعنی یحلّل آن مقابله و گفتگوئی که قبل از بیع انجام شده و یحرّم الْكَلَامُ یعنی اینکه اگر قبل از مالک شدن بیعی واقع کردی حرام است زیرا بیع ما لیس عندک می باشد .

خوب و اما این احتمال چهارم به بیانی که عرض شد صحیح است منتهی اشکال ما به این احتمال این است که شیخ فرمودند که ما با قطع نظر از صدر حدیث بحث می کنیم درحالی که این احتمال چهارم مربوط به صدر حدیث می باشد پس مردود است ، اینها عرائض بنده در مورد احتمالات مطرح شده در کلام شیخ بود که به عرضتان رسید .

عرض شد نمی تواند دلیل برای بطلان و عدم صحّت معاطات باشد ، بقیه بحث بماند برای جلسه بعد إن شاء الله ...

والحمد لله رب العالمین اولاً و آخرأ و صلی الله علی
محمد و آله الطاهیرین

مطلب دیگر این است که به نظر بنده بحث خیلی روشن است زیرا ما در مجموع روایات موجود در باب دو جمله داشتیم ؛ یکی جمله : « إِنَّمَا يَحِلُّ الْكَلَامُ وَ يَحْرُمُ الْكَلَامُ » که مربوط به سؤال آن شخص دلال از امام (ع) بود و دیگری که در سه روایت تکرار شده جمله : « يَحْرُمُ الْكَلَامُ » است که مربوط به باب مزارعة می باشد .

در مورد جمله اول : « إِنَّمَا يَحِلُّ الْكَلَامُ وَ يَحْرُمُ الْكَلَامُ » باید عرض کنیم که اولاً خبر سنداً ضعیف است و ثانیاً معنای جمله با توجه به صدر حدیث کاملاً روشن و موردش مشخص است (یعنی یَحِلُّ الْكَلَامُ نسبت به مقابله و گفتگوی قبل از بیع و یَحْرُمُ الْكَلَامُ نسبت به بیعی که قبل از مالک شدن منعقد کرده) پس لزومی ندارد ما آن را به جاهای دیگر بکشانیم و عمومیت و کلیت برایش قائل شویم .

اما جمله دوم : یعنی : « يَحْرُمُ الْكَلَامُ » که در سه خبر دیگر ذکر شده بود نیز مربوط به همان باب مزارعة می باشد (یعنی اگر در مزارعة برای بذر و بقر و أرض سهم مشخص کنید عقد مزارعة باطل است ولی اگر بگوئید از حاصل فلان درصد مال من و فلان درصد مال تو عقد مزارعة صحیح است) و ظاهراً بردن این کلام به جاهای دیگر و ذکر احتمالاتی برای آن صحیح نمی باشد .

خوب همانطور که عرض شد شیخ انصاری بعد از ذکر چهار احتمال در معنای جمله : « إِنَّمَا يَحِلُّ الْكَلَامُ وَ يَحْرُمُ الْكَلَامُ » به سراغ بررسی هر کدام از این احتمالات رفته ، ایشان در مورد احتمال اول می فرماید که محطّ بحث در اینجا فقط در مورد ربیع موجود می باشد و دیگر کیفیت خرید و فروش محطّ بحث نمی باشد تا اینکه به درد بحث ما در معاطات بخورد و ما بگوئیم چونکه در معاطات کلام نیست پس باطل است ، به عبارت دیگر این روایت از جهت کلام در مقام بیان نیست بلکه از جهت ربیع در مقام بیان می باشد لذا ما نمی توانیم به این روایت تمسک کنیم و بگوئیم که در بیع کلام لازم است و بیع بدون کلام واقع نمی شود و باطل است پس در نتیجه معاطات که در آن کلام وجود ندارد نیز باطل است زیرا مورد ، یک موردی است که بدون وجود کلام در آن اصلاً امکان معامله وجود ندارد ، بنابراین روایت با بیانی که